

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۴، پیاپی ۸۱، زمستان ۱۳۸۸

نگرشی بر شاخصه های فکری _ اجرایی میرزا کوچک خان و شیخ محمد خیابانی

عبدالله متولی^۱

چکیده

در فرآیند شکل گیری و تداوم حرکت های سیاسی و اجتماعی، انگیزه ها و اهداف رهبران و میزان استحکام مبانی فکری و اجرایی این حرکت ها، اصلی ترین بخش آن محسوب می شود. در نهضت های جنگل و خیابانی نیز دستیابی به عوامل و عناصر اصلی شکل دهنده افکار و اندیشه های رهبران و اهداف و آرمان هایی که در پی دستیابی به آن بودند، از اهمیت اساسی برخوردار بود. در عین حال سازمان بندی سیاسی آن ها برای پیشبرد و وصول به اهداف مورد نظر، از نکات بارز این دو نهضت محسوب می شود. بررسی و ارزیابی این دو نهضت در قالب یک نگرش تطبیقی، می تواند میزان توانمندی های فکری و استحکام شالوده های اجرایی آنها را آشکار ساخته و قرابت فکری و اجرایی هر دو حرکت را در کامیابی و ناکامی آن ها با وضوح بیشتری مشخص نماید.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک a-motevally@araku.ac.ir

تاریخ تصویب: ۸۸/۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۱۵

واژه‌های کلیدی: مشروطیت، نهضت، گیلان، آذربایجان، میرزا

کوچک خان، خیابانی.

مقدمه

انقلاب مشروطیت که در سال ۱۳۲۴ق رخ داد، چشم انداز جدیدی را برای تاریخ ایران رقم زد و باعث شد تا گروه های مختلف اجتماع، هر کدام بر اساس دانسته های خود، توقعاتی را از فضای حکومت پس از مشروطیت داشته باشند. گو اینکه اختلاف در سطوح فکری جامعه سبب شد تا نوع و شکل انتظارات از حاکمیت مشروطه و قانون نیز از تنوع و تکثر برخوردار شود، و هر کدام برای وصول به خواسته های شان در قالب های مختلف اجتماعی و سیاسی اعم از انجمنی یا صنفی گرد هم آیند. اما در برابر این مطالبات روزافزون و متنوع، حاکمیت قاجار هنوز با ایده های جامعه قانون مدار فاصله جدی داشت؛ و پس از مرگ مظفرالدین شاه عملاً تلاش هایی به منظور اعاده حاکمیت مطلق قاجار در قالب های خشونت آمیز نظیر: ضرب و شتم، به توپ بستن مجلس و تنبیه خونین چهره های ضد استبدادی، شکل گرفت. با وجود این روند مشروطه خواهی با فراز و فرود فراوان راه خود را دنبال کرد و از پی تعطیلی مجلس اول و دوران استبداد صغیر، کانون های مقاومت خاموش نشد و با تصرف تهران به دست مشروطه خواهان، مجلس دوم شکل گرفت و محمدعلی شاه کنار گذاشته شد. با اینکه احمد شاه در رأس حکومت مشروطه قرار گرفت، اما کارها بر روال عادی خود طی نشد. عناصر تأثیر گذار درونی و بیرونی هم چنان بر دامنه چالش ها افزودند؛ و زمینه را برای سلب آرامش و امنیت فراهم کردند. چهره های شاخصی که مدت ها در کانون استبداد قاجاری، ستون های اصلی حکومت را تشکیل می دادند، احتمالاً بر اساس شرایط و جبر زمانه در صف مشروطه خواهی و قانون طلبی، دوباره سمت های مهم حکومتی را در اختیار گرفتند و بدینگونه موجبات نوپیدی چهره های آرمان طلب که از مشروطیت چیزی جز عدالت، امنیت و بهبود معیشت عمومی طلب نمی کردند، فراهم ساختند. ورود زورمدارانه نیروهای روس و انگلیس به عرصه تصمیم گیری های سیاسی ایران در کنار اشغال نظامی بخش های وسیعی از کشور در فقدان نیروی نظامی توانمند برای مقابله با تجاوزات خارجی، زمینه را برای رویگردانی

بخش هایی از بدنه مشروطه خواهان فراهم ساخت تا مایوس از اصلاح شرایط عمومی، با اعتنا و اتکا بر حکومت مرکزی به منظور احیای مطالبات از دست رفته ملی و مذهبی دست به واکنش بزنند. در میان تحركات سیاسی و نظامی که در سال های پس از مشروطیت تا بر سر کار آمدن حاکمیت پهلوی در ایران رخ داد، می توان نهضت میرزا کوچک خان و شیخ محمد خیابانی را به عنوان دو حرکت شاخص نام برد. دو چهره با ریشه های مذهبی، که آن ها را بدنه ی اصلی مشروطه خواهان به شمار آورد که به دنبال برنامه های آرمانی برای جامعه خود بودند. برای وصول به این اهداف، نه تنها همراهی و همدلی را با سایر مشروطه خواهان را برگزیدند بل که در مقاطع حساسی نیز به یاری مشروطه خواهان شتافتند. اما دیر زمانی نباید که ناامید از دستیابی به مطالبات مذهبی و ملی خود، از عرصه قدرت مرکزی فاصله گرفتند و در پی اجرای یک فرایند جدید برای به ثمر رساندن خواسته های شان برآمدند. همزمانی نسبی این دو نهضت، علل و عوامل مشابه برای رساندن آن دو به مرحله ایجاد یک جنبش و در عین حال موقعیت جغرافیایی خاص مشابه، از این لحاظ که در معرض تهاجم مستقیم روس ها قرار داشتند، از مسایلی بود که سرنوشت این دو حرکت را به همدیگر نزدیک ساخت. علی رغم وجوه اشتراک قابل توجهی که در فرایند هر دو نهضت وجود داشت، اختلاف سلیق اجرایی و بعضاً نگرش های متفاوت سیاسی باعث شد تا کنش آن ها به سوی همگرایی سیر ننماید و در عرصه اجرای برنامه های انفرادی نیز دچار اشتباهاتی شدند و پیش از آنکه از تحركات خود به نتایج بارزی دست یابند، به مرحله پایانی خود رسیدند. این نوشتار در پی بررسی و ارزیابی بخشی از فرایند فکری و اجرایی رهبران دو نهضت در عرصه ی نظر و عمل است. در کنار این بررسی نگاه مقایسه ای را از نظر دور نداشته و در حد لزوم به تحلیل تطبیقی این دو نیز پرداخته است.

مؤلفه های اصلی در شکل گیری نهضت ها

برای دستیابی به عوامل مؤثر در شکل گیری این نهضت ها، جستجوی پیشینه اجرایی رهبران آنها در فضای سیاسی ایران پس از مشروطیت تا بدو شکل گیری نهضت ها حایز اهمیت می باشد. به نظر می رسد مبانی اصلی اندیشه های رهبران در فراز و فرود رویدادهای پس از مشروطیت

شکل اصلی خود را یافت و در طی این مسیر آن ها را به یک ارزیابی خاص از شرایط رهنمون ساخت که هر کدام راه برون رفت جامعه از شرایط نامتعادل را در پی گیری مطالبات خاص، به دور از اعتنا به قدرت مرکزی و تنها مبتنی بر یک تحول و نگرش جدید، همراه با ایجاد یک ساز و کار اجرایی مناسب تشخیص دادند. رهیافت رهبران این دو نهضت به عمق تحولات موجود بر پایه های احساس و شوق لحظه ای شکل نگرفت، بلکه پس از دنبال کردن مطالبات ذهنی خود که مبتنی بر آرمان های ملی و مذهبی بود، در طی یک دوره زمانی پس از مشروطیت در کانون های مختلف نهادهای تازه تاسیس مشروطیت نظیر: انجمن ها یا مجلس و یا سایر کانون های مرتبط با قدرت مرکزی دنبال شد. اما این مطالبات که بعضاً حامل خواسته های بخش عمده جامعه محسوب می شد و چیزی جدا از نگرش های حاصل از حکومت مشروطیت نبود، در دوره های متعدد با ناکامی و یا بی مهری عمدی یا سهوی روبه رو گردید. فقدان تمرکز اصلی نهادهای قانونی پس از مشروطیت بر خواسته های اولیه ی طیفی از پیوستگان به مشروطه خواهی و تن سپردن به منازعات اقتدار گرایانه و فاصله گرفتن طبقات میانی و انتهایی جامعه، که گرفتار امرار معاش و صدمات مکرر مهاجمین بیگانه و لطمات و اجحافات برخی عناصر حکومتی داخلی بودند، زمینه ی لازم را برای رویکرد برخی چهره ها به سوی هدایت جامعه و رهایی از چالشهای موجود و وصول به حداقل آرمان های مادی و معنوی فراهم نمود.

شیخ محمد خیابانی، که البته دیرتر از میرزا کوچک خان نهضت خود را بنیان نهاد، در متن همین کشاکش ها اندک اندک شکل گرفت. در هنگامه مشروطه خواهی بر اساس گفته کسروی در مسجد خانه اوغلی، درس هیئت بطلمیوس می گفت و در همان زمان امام جماعت مسجدی را بر عهده داشت. (کسروی، ۲۵۳۷: ۱/۱۷۶)

با این گفتار نمی توان خیابانی را منفک از فضای سیاسی و فکری جامعه دانست. همزمان با استبداد صغیر و در پی آن مقاومتی که در تبریز علیه نیروهای دولتی شکل گرفت، خیابانی حضور جدی داشت. در این دوره یکی از اعضای انجمن ایالتی بود که به همراه مجاهدین علیه نیروهای دولتی که تبریز را در محاصره داشتند، مبارزه می کرد. (شرح حال...، ۱۳۰۴: ۲۵)

انتخاب وی به عنوان یکی از اعضای اصلی هیأت اعزامی برای مذاکره با عین الدوله، فرمانده نیروهای دولتی محاصره کننده تبریز، حاکی از جایگاه محوری او در نزد محافظین تبریز بود. (آذری، ۱۳۵۴: ۱۲) حضور خیابانی در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم تبریز او را بیشتر در متن حوادث مربوط به تحولات مرکز ایران قرار داد. نقطه‌ی اوج این مرحله سخنان او در برابر اولتیماتوم روسیه بود که مواضع ملی و ضد بیگانه وی را به خوبی آشکار نمود. او در بخشی از نطق خود می گوید: «بنده که یک ایرانی هستم، هنوز در حالت حیرت و متحیرم به خاطر این التیماتوم... ایران کشور مستقلی است و تقاضای این که از آن پس استخدام خارجی با نظر دول روس و انگلیس باید باشد، رخنه در این استقلال می رساند». (صورت مذاکرات...، ۱۳۲۹: ۳۲۱)

تعطیلی مجلس دوم تحت فشار روس‌ها، به شدت بر روحیات خیابانی تأثیر گذاشت. سخنرانی او علیه اولتیماتوم در سبزه میدان تهران، نارضایتی وی از عملکرد دولت را آشکار ساخت. (مکی، ۱۳۶۳: ۱/۳۸) خود او نیز تحت تعقیب قرار گرفت و تا زمان آغاز جنگ جهانی اول، بین قفقاز و تبریز سرگردان شد. در جنگ جهانی اول بخش‌هایی از ایران از جمله آذربایجان به اشغال روس‌ها درآمد.^۱ اما با شکل‌گیری انقلاب اکتبر روسیه و عقب‌نشینی نظامیان روس از مناطق اشغالی ایران خلاء قدرتی در آذربایجان پدید آمد که خیابانی از این فضا بهره گرفته و اولین گام خود را برای ایجاد یک تشکیلات سیاسی برداشت.^۲ او یک شورای ایالتی مرکب از ۴۸۰ نفر را دایر و روزنامه تجدد را نیز منتشر نمود. (کسروی، ۲۵۳۷: ۱/۴۴) با ورود عثمانی‌ها به آذربایجان خیابانی و چند نفر از همراهانش از تبریز تبعید شدند. پس از اتمام جنگ به تبریز بازگشت و

۱. در یکی از روزنامه‌های آن زمان درباره حضور بیگانگان در ایران نوشت: «روس‌ها از شمال، آذربایجان، گیلان، مازندران و خراسان را اشغال کرده، انگلیسی‌ها هم در جنوب نفوذ کرده و آلمانی‌ها و عثمانی‌ها نیز به بهانه وجود متفقین در ایران مشغول فعالیت هستند و همین موضوع باعث ایجاد جو بدی در ایران گردیده است». (روزنامه عصر جدید، ۱۳۳۳: ۲/۵۱)

۲. روس‌ها در آستانه عزیمت از ایران به دلیل وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م در بی‌نظمی کامل به تخریب و غارت شهرها و مناطق تحت اشغال خود در شمال ایران علی‌الخصوص در آذربایجان دست زدند. فقدان حضور نیروهای دولتی برای برقراری نظم مزید بر علت شد و صدمات زیادی را به مردم وارد کرده، زمینه لازم را برای مخالفت‌های بعدی آن‌ها مهیا کرد. (روزنامه خاورایران، ۱۳۳۳: ۵/۳۵)

فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت.^۱ سیر کلی زندگی سیاسی میرزا کوچک خان در دوره پس از مشروطیت با فراز و فرود هایی همانند خیابانی دنبال شد. او نیز با اندیشه های ضد استبدادی و عدالت خواهانه، مسیر خود را در کنار سایر مشروطه خواهان برگزید. (جودت، ۱۳۵۱: ۴۵) در کانون های مبارزه طلب ضد محمد علی شاه حضور یافت و به عنوان یک نیروی رزمی در فتح تهران مشارکت نمود. (سپهر، ۱۳۶۴: ۴۹) در حالی که خیابانی به عنوان نماینده تبریز در مجلس حضور داشت. میرزا کوچک خان در گمش تپه علیه تهاجم محمد علی شاه به ایران در حال مبارزه بود. (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۲) تعطیلی مجلس دوم، همان اندازه که خیابانی را سرگردان نمود کوچک خان را نیز تحت تاثیر قرار داد. او نیز دلسرد و ناامید از بهبود شرایط، روزگار را سپری می کرد. وی بعد از فتح تهران دریافت که سرداران مشروطه طلب به مشروطه خویش رسیده اند و دیگر نه وطن برای آن ها مطرح است و نه آزادی، به همین خاطر به زودی از آن ها جدا گردید.^۲ (روزنامه تبریز، ۱۳۲۸: ۱/ش ۵۰)

با آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م) و اشغال مستقیم گیلان توسط روس ها، شرایط مشابه آذربایجان برای این منطقه پدید آمد و فضای نامساعدی را برای مردم رقم زد و زمینه لازم را برای آغاز نهضت جنگل فراهم ساخت. (روزنامه نوبهار، ۱۳۳۳: ۱/ش ۲۱)

با مقدمات مختصری که ذکر شد اهم مسایلی که خیابانی و کوچک خان را به یک مبارزه مستقیم کشانید در موارد زیر می توان بیان نمود:

۱. عثمانی ها پس از خروج روس ها از آذربایجان به سرعت این منطقه را اشغال کردند. البته حضور آن ها کوتاه مدت بود ولی در طول همین زمان با مردم به خشونت و بی عدالتی رفتار کردند، به طوری که مردم ستم های چندین ساله قشون روس را فراموش کرده از تعدیات برادران دینی به ستوه آمدند. (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۴/۸۰) در یک منبع دیگر نیز این مسأله مورد تاکید قرار گرفته است. ترک ها در مدت اقامت کوتاه خود در آذربایجان موفق شدند احساسات ضد روسی را افزایش دهند اما اقامت کوتاه در آذربایجان و اعمال وحشیانه و ظلم و ستم باعث شد خصومت مردم را علیه خود برانگیزند به حدی که در موقع بازگشت، مردم علیه آن ها اسلحه به دست گرفتند. (میروشنیکف، ۱۳۵۷: ۴۴)

۲. کسروی در خصوص فضای ایجاد شده نوشت: «با تشکیل کابینه [پس از فتح تهران] مردم در شهرها چراغانی کردند ولی اگر کسی به فهرست وزیران دقت کند بایستی چندان شادی نماید زیرا بسیاری از اینان [اعضای کابینه] از نزدیکان محمدعلی میرزا بودند و این در خور شگفتی است که پس از آن همه خونریزی، در نخستین گام حکمرانی مشروطه در دست اینان بود» (کسروی، ۲۵۳۷: ۱/۸۵)

- ۱- اوضاع نابسامان ایران به دلیل شروع جنگ جهانی اول و عدم توانایی دولت مرکزی در حفظ و حراست از مرزهای کشور.
 - ۲- انحراف مشروطه از اهدافی که مشروطه خواهان برای رسیدن به آن قیام کرده بودند.
 - ۳- حاکم شدن برخی چهره ها که شائبه وابستگی به روس و انگلیس نسبت به آن ها وجود داشت.
 - ۴- عدم توجه کافی دولت به مناطق مرزی نظیر گیلان، خراسان و آذربایجان .
 - ۵- عدم امنیت داخلی به دلیل فقدان یک نیروی نظامی منسجم جهت سرکوب یاغیان و راهزنان داخلی.
 - ۶- ظلم و ستم خوانین و مالکان که مستقیماً متوجه مردم بود.
- به نظر می رسد در علل و عواملی که خیابانی و کوچک خان را به سمت ایجاد یک ساختار سیاسی و نظامی هدایت نمود، تفاوت ماهوی و جدی وجود نداشته باشد.
- حضور هر دو در کانون های مهم سیاسی و درک ناکامی های مکرر مشروطه خواهی و عدم توجه حکومت های مرکزی به نیازهای مادی و معنوی مناطق مختلف، آنها را به سمت رفتارهای مستقل از حاکمیت مرکزی برای رسیدن به آرمان های مورد نظر هدایت کرد. (روزنامه خاور ایران، ۱۳۳۳: ۲/ش ۳۵) خیابانی خود در ذکر علل و عوامل قیام علاوه بر قرارداد ۱۹۱۹م، به نتیجه نرسیدن دموکراسی در ایران، وجود قشون بیگانه در کشور، فساد اخلاقی دولت، هرج و مرج در ایران و عدم وجود یک دولت مقتدر برای ثبات اوضاع را برمی شمارد.^۱

۱. خیابانی طی مقاله ای که در ۲۶ حمل ۱۲۹۹ انتشار یافت در مورد وضعیت ایران که منجر به قیام او شد، چنین نوشت: «ما می خواستیم دزدهای وحشی از حریم مملکت تطهیر شوند، ما می خواستیم اصول استبداد، غارت و چپاول از ایران طرد، تبعید و الی الابد نابود گردد. ما می خواستیم جان و مال و دموکراسی ایران در تحت امان باشد. اما حالا می بینیم نه این که هیچ یک از این آمال از قوه به فعل نیامده، ضمناً آزادی فکر، وجدان و معنویت شخصی یکی بعد از دیگری دچار تعرضات غارتگران قرار گرفته است.» (آذری، ۱۳۵۴: ۲۶۶)

ارزیابی اهداف دو نهضت

سطح اهداف و حد نهایی در نگرش رهبران دو نهضت با دقت زیاد قابل تبیین نیست. ظاهراً نهایت ذهنی آن ها تحت تاثیر تحولات جاری کشور قرار گرفته و دچار فراز و فرود می شد. البته این روند نامتعادل در سیر کلی نهضت جنگل بیشتر قابل رویت است در حالی که بررسی گفتارهای مکرر خیابانی ثبات بیشتری را نشان می دهد. به هر حال چون مبانی و بستر شکل گیری دو نهضت به هم قرابت داشت، بعضاً سطح هم خوانی اهداف و آرمان های آن ها نیز از یکسانی و شباهت قابل توجهی برخوردار بود. نکته‌ی قابل تأمل دیگر این که ایده های مطرح شده توسط آن ها تا چه میزان اجرایی و یا آرمانی و غیر قابل دسترس بود؟ آنچه در ادامه خواهد آمد تنها بیان چند مورد از خواسته های رهبران دو نهضت است که در شکل ها و قالبهای مختلف بیان شد، اما به هیچ وجه حدود اجرایی دقیقی پیدا نکرد.

۱- سازماندهی حکومت ملی و اعاده حاکمیت مشروطه‌ی واقعی از آرمان های مشترک هر دو نهضت بوده است. گفتارهای رهبران دو نهضت که در جایگاه های مختلف ابراز می شد حاکی از این رویکرد مشترک بود، اما به نظر می رسد در مواقعی این نگرش ها فاقد اراییه‌ی یک تعریف دقیق و مشخص بوده است. چنانکه خیابانی در یکی از نطق هایش می گوید: «رژیمی که ما امروز می خواهیم، رژیم دمکراتیک یعنی حاکمیت دمکراسی است. یک رژیم دمکراتیک وجود یا عدم شاه را در نظر نمی گیرد، همه چیز تابع ملت است. ملت اگر بخواهد قادر است شاه را عزل یا خلع نماید.» (آذری، ۱۳۵۴: ۴۰۴) خیابانی در جای دیگری با صراحت بیشتر بر حراست از حریم مشروطیت تاکید کرده، می گوید: «تقاضای ما جز اجرای قوانین و اصول مشروطیت نیست.» (روزنامه تجدد، ۱۳۳۵: ۷/ش ۱)

۲- مقابله با حاکمیت بیگانگان و تلاش در اخراج آن ها از سرنوشت ایران، از دیگر اهداف مشترک هر دو نهضت بود. بیان مکرر این دیدگاه در جایگاه ها و موقعیت های مختلف نشان از نگاه اصولی هر دو نهضت به این نکته بوده است. اشغال مکرر مناطق شمالی ایران توسط روس ها و صدمات زیادی که بر اقتصاد، فرهنگ و زندگی مردم این مناطق وارد شده بود و ناتوانی حکومت مرکزی در این عرصه برای اخراج مهاجمین، سبب شد تا سرلوحه‌ی هدف اصلی و

مشترک دو نهضت، اخراج روس ها از خاک ایران باشد. البته این تمرکز بر مسأله‌ی روس ها به معنای بی توجهی به حضور سیاسی و نظامی انگلیسی ها در ایران نبود، چون این مسأله موضع گیری مشترک آن ها را نیز در بر می گرفت. (جودت، ۱۳۴۸: ۶۹؛ روزنامه عصر جدید، ۱۳۳۳: ۴/ش ۵۱)

۳- جایگاه حکومت مرکزی در برنامه های دو نهضت از دیگر نکات قابل تاملی است که مورد توجه و تمرکز آن ها قرار گرفت. در خصوص دگرگونی ساختار کلی حکومت دیدگاه های آن ها از ثبات و دقت لازم برخوردار نیست. طولانی بودن نهضت جنگل و تغییر جایگاه و موقعیت آن باعث شد تا موضع گیریهای متفاوتی در خصوص حکومت مرکزی ابراز نماید. تا پیش از ورود بلشویک ها به خاک ایران، جنگلی ها با سلطنت و برخی کابینه ها مانند مستوفی الممالک و مشیرالدوله همراهی و همدلی داشتند، اما با کابینه سپهسالار مخالفت نمودند.^۱ اما پس از ورود بلشویک ها و طرح مسأله‌ی جمهوری شورایی، ظاهراً نگرش جنگلی ها هم دچار نوسان شده و حمایت آن ها از حاکمیت احمد شاه متزلزل شد و بعضاً طرح ایجاد رژیم جمهوری را به عنوان یک شعار مطرح نمودند.^۲ نهضت خیابانی که دیر زمانی تداوم نداشت، به نظر می رسد نگرش تندتری را برابر حکومت مرکزی ارایه نمود. بر خلاف جنگلی ها که در جایگاه های مختلف احمد شاه را مورد حمایت قرار دادند،^۳ خیابانی به صراحت او را مورد تایید قرار نداد و بعضاً شکل حکومت جمهوری و مشارکت کامل مردم در امر حکومت در گفته های او قابل حصول است. به

۱. در یکی از شماره های روزنامه جنگل راجع به نگرش جنگلی ها به برخی دولتیان آمده است: «مستوفی الممالک، مخیرالسلطنه، مشیرالدوله، موتمن الملک و هر چه مثل این ها وجود محترم باشد تقدیس می کنیم، طرفداری می کنیم، برای حفظ وجود ارجمندشان فدایی می شویم، هر حادثه سوئی که به جان و شرف آن ها توجه کند، بی باکانه جان های عزیز خود را سپر آن قرار می دهیم، چرا؟ برای اینکه شرف دارند، با اجانب همدستی ندارند و دوستدار وطن خود هستند، معنی دیانت را فهمیده اند، اگر خدمتی مقدورشان نشود، خیانت هم نخواهند کرد». (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵: ۴/ش ۲۱)

۲. بعد از ورود بلشویک ها به گیلان، او تمایل یافت که یک حکومت شورایی در ایران تشکیل داده، بدین ترتیب قدرت دولتی را در دست بگیرد. (رواسانی، ۱۳۶۳: ۱۶۴)

۳. در یکی از منابع در خصوص تعلق خاطر جنگلی ها به احمد شاه آمده است: «انقلابیون گیلان به اندازه ای که لازم بود با دولت مخالفت نموده، نقشه معینی نداشتند و برای پیشرفت مقاصد انقلابی خود جدیت لازم را نمی کردند. در کلیه تظاهرات و نوشته های خود اسم و مقام شاه را مقدس می دانستند» (یقیان، ۱۳۶۳: ۱۶)

همین لحاظ به نظر می رسد وی به تغییر ساختار حاکمیت سیاسی ایران نظر داشت. علاوه بر این مواضع او در قبال وزرای مرکزی سخت و غیر قابل انعطاف بود. این ویژگی در برخورد با وثوق الدوله عاقد قرار داد ۱۹۱۹م از وضوح بیشتری برخوردار بود. در بررسی رویکرد های آن ها در قبال حکومت مرکزی می توان نقاط افتراق و اشتراکی را دریافت که شاید محوری ترین نقطه اشتراک، مخالفت با قرار داد ۱۹۱۹م و کابینه وثوق الدوله بود که عملاً به اوج گیری هر دو نهضت انجامید. تلاش هر دو برای برقراری سریع مجلس دوره چهارم و فشار بر دولت مرکزی به منظور اجرای انتخابات، از دیگر رویکردهای مشترک آنها بود.^۱ اما نقطه افتراق آن دو، موضع گیری ملایم کوچک خان در برابر برخی کابینه ها علی الخصوص در برابر کابینه مشیرالدوله بود. در حالی که خیابانی اعتقاد داشت مشکل ایران ریشه ای و بنیادی بایستی حل شود و مشیرالدوله نیز قادر به حل این مشکل نخواهد بود. به همین لحاظ مواضع سخت خود را در برابر کابینه او حفظ کرد و همین ایستادگی نیز به پایان کارش انجامید.

۴- یکی از نکات پر مسأله هردو نهضت، موضوع خود مختاری و تجزیه طلبی بود که بعضاً با جنجال و هیاهوی زیادی مطرح گردید. به نظر می رسد برخی مخالفان این دو نهضت، برای فراهم ساختن جو روانی لازم علیه آن ها این دیدگاه را با تبلیغات گسترده مطرح نمودند و تاثیرات منفی آن ها نیز بر افول جایگاه سیاسی و اجتماعی هر دو نهضت تاثیر گذار بود. تمرکز و شدت تبلیغات در مقطعی با تصمیمات اشتباه هردو نهضت هم خوانی یافت و موقعیت مناسب را برای مخالفان فراهم نمود. در نهضت خیابانی تغییر نام آذربایجان به نام آزادستان، فضای لازم را برای مخالفان فراهم نمود. گوا این که خیابانی نگرش فرامحلی و ملی داشت و در نطق هایش مکرر بر این موضوع تاکید می کرد. از آن جمله در یکی از سخنرانی هایش در ساختمان تجدد اظهار داشت: «پس از

۱. در یکی از شماره های روزنامه جنگل آمده است: «به توسط حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک خاکپای اعلیحضرت شاهنشاهی افتتاح دارالشورا تا کنون برای برخی محذورات متغیر بود، اکنون به اقبال بی زوال شاهنشاهی موانع مفقود و شرایط موجود، فرمان جهان مطاع که حاکی از حسن نیت مقدسه مراحم ملوکانه بود، صادر و تشکیل دارالشورا که یکی از مقاصد فدائیان است مقرر فرماید.» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵: ۳/ش ۱)

فراغت حاصل نمودن از اصلاحات تبریز به تامین آزادی سراسر ایران خواهیم پرداخت». (آذری، ۱۳۵۴: ۳۳۲)^۱

اما به نظر می رسد گزینش این عنوان گونه ای انتخاب تاکتیکی نامناسب بود. هر چند توجهات در خوری بر این تغییر ارایه شد، از آن جمله برای تمییز دادن این ایالت از آذربایجان شوروی^۲ و یا به پاس خدمات و زحماتی که مردم آذربایجان برای به ثمر رسیدن آزادی و مشروطیت انجام دادند. اما رویکرد مساعدی نسبت به این تغییر عنوان شکل نگرفت.^۳ فشار خیابانی بر دولت مرکزی به منظور پذیرش رسمی این عنوان، موقعیت او را در مرکز ایران بیشتر متزلزل نمود و راه را برای مقابله با نهضت وی فراهم ساخت.

در نهضت جنگل نیز این اشتباه با شکل و شمایل دیگری زمینه بروز یافت. هر چند در آنجا حرفی از تغییر اسم و عنوان نبود، اما تشکیل جمهوری شورایی گیلان و حضور رسمی میرزا در متن این شورا، مصادیق لازم را در اختیار مخالفان قرار داد تا انگشت اتهام را با شدت و استقامت بیشتری به طرف او نشانه روند. این در حالی است که میرزا کوچک خان با صراحت و بارها بر تمامیت ارضی و اصلاح امور ایران تاکید نموده، هرگز از تشکیل یک دولت مستقل از حاکمیت

۱. خیابانی در نطق دیگری گفت: «آزادی که این قیام می خواهد حکمفرما سازد منحصر به تبریز، ایالت آزادستان نیست، این قیام طالب آزادی تمام ایران است». (آذری، ۱۳۵۴: ۳۳۲)

۲. کسروی درباره این تغییر نوشت: «در این زمان نام آذربایجان یک دشواری پیدا کرده بود، زیرا پس از به هم خوردن امپراتوری روس، ترک زبانان قفقاز در باکو و آن پیرامون ها جمهوری کوچکی پدید آوردند، آن را آذربایجان نامیده بودند. بنیانگذاران این جمهوری امید داشتند که با آذربایجان ایران یکی گردند، آذربایجانیان که به چنان یگانگی خرسندی نمی دادند از آن نامگذاری رنجیدند و گفتند بهتر است نام ولایت خود را برگردانیم، همانا پیشنهاد آزادستان از این راه بود». (کسروی، ۲۵۳۷: ۱/۸۷۲)

۳. عبدالله مستوفی در این باره می نویسد: «اگر از من پرسند بین خیابانی آن زمان و پیشه‌وری حالا چه تفاوتی است. می گویم تنها فرق آن ها این است که خیابانی به هیچ بیگانه‌ای اتکا نداشت، اما از حیث تجزیه آذربایجان هر دو در یک مسیر بودند». (مستوفی، ۱۳۲۴: ۳/۱۷۸)

مرکزی سخنی به میان نیاورد. در جای دیگری می گوید: «وجدانم به من امر می کند دراستخلاص وطنم که گرفتار اجنبی است کوشش نمایم»^۱. (سپهر، ۱۳۳۶: ۲۸۸)

در نامه ای که به روتشتین نوشته است درباره هدفش تاکید می کند: «مقصود من و یارانم حفظ استقلال مملکت و اصلاح و تقویت مرکز است. تجزیه گیلان را که مقدمه ملوک الطوائف است و هم چنین ضعف کشور، خیانت صریح می دانم»^۲. (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۶۲)

در مجموع می توان رویکرد نادرست خیابانی و میرزا کوچک خان را در این زمینه، یکی از دلایل اصلی ناکامی آن ها دانست که عملاً فضا را به ضرر دو نهضت تغییر داد.

۵- اندیشه اصلاح طلبی در هر دو نهضت از نکات بارزی است که به صورت مکرر در گفته ها و نوشته های رهبران آن ها به چشم می خورد.

روزنامه جنگل اهداف اصلی میرزا کوچک خان را چنین توصیف کرده است: «خروج کلیه قشون روس از ایران، لغو کلیه امتیازاتی که به روس داده شده است، الغاء کاپیتولاسیون و اصلاحات داخلی مملکت». (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵: ۴/۹ ش) خیابانی نیز که بحث اصلاحات را در کلام خود مورد استفاده قرار داده در یکی از نطق هایش در انجمن تجدد می گوید: «رادیکالیسم یعنی جذریت در مسالک که مستلزم عملیات عمیق، اقدامات سریعه و قاطعه ایست که عیوبات مشهوده و موجوده را با اره از بیخ و بن کنده، حیات جامعه را یکباره از اثرات و نتایج سوء آن خلاصی بخشید. در اصلاحات مملکت این است شعاری که انتخاب شده و باید در مراعات آن استقامت ورزید». (آذری، ۱۳۵۴: ۲۹۰)

آنچه در نگرش اصلاح طلبانه رهبران دو نهضت قابل تامل می باشد تغییر و تعبیر آن ها از اصلاحات گسترده و شکل اجرایی آن است. آیا در پی برانداختن نظم موجود و پدید آوردن یک نظم جدید بودند؟ و یا این که نظر به اصلاح بخشی از ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند؟

۱. این مطلب را میرزا در جواب کیلاچینکوف که در ذی حجه ۱۳۳۷ به جنگل اعزام شده بود و میرزا را به تسلیم فرا می خواند، ارائه داده است. (سپهر، ۱۳۳۶: ۲۸۸)

۲. روزنامه جنگل نیز در این زمینه نوشت: «هدف موسین این قیام بجز خدمت به اسلام و ایران چیزی نیست. فقط حفظ اساس دین اسلام و اتحاد مسلمانان و اتفاق خدمتگزاران کشوری و لشکری را می جوید». (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵: ۵/۵ ش)

این مساله ای است که در هر دو نهضت نمی توان به یک روش واحد و مشخصی دست یافت. چون فراز و فرود دیدگاهها و نوع موضع گیری ها در قبال سلطنت و دولت و سایر نهادهای حکومتی دچار تزلزل است و از ابتدا تا پایان نهضت ها، از یک الگوی واحد و مشخص پیروی نمی کند. هرچند خیابانی از طریق روزنامه تجدد و یا بیانیه های مختلف و نطق های مکرر سعی نمود که ارتباط خود را با مخاطبانش حفظ نماید و ایده ها و افکارش را به آن ها منتقل نماید، اما ماهیت مطالب مطرح شده و در عین حال فراز و فرود موضع گیری، در مباحث او به خوبی مشهود بود. به همین دلیل هم بود که کسروی نوشت: «این ها راه روشنی نمی داشتند». (کسروی، ۲۵۳۷: ۲/۸۶۵) او بارها بحث دمکراسی را پیش کشید و از آن برای مردم سخن گفت درحالی که هنوز مردم تعبیر دقیقی از مشروطیت و شیوه اجرای آن نداشتند. گو این که بخشی از ایده های خود را نیز برای مخاطبانش بیان نمی کرد. همچنانکه در یکی از نطق هایش می گوید: «هیچ کس خبر و اطلاعی از نقشه ی ما ندارد، ولی در آخر دیده خواهد شد که ملت به حاکمیت خود نائل خواهد شد و تمام اختیارات را در کف کفایت خود خواهد گرفت». (آذری، ۱۳۵۴: ۴۵۰)

در نهضت جنگل هم به گونه ای این ابهام به چشم می خورد. هرچند میرزا کوچک خان جمعاعات مردمی را به شکلی که خیابانی برگزار می کرد، نداشت، اما بخشی از افکار و اندیشه های او در روزنامه جنگل انعکاس می یافت. او نیز مشخص نکرد مفهوم اصلاحات مورد نظر وی به قیمت کنار گذاشتن احمد شاه یا مقابله با برخی از کابینه ها می باشد؟ و یا این که هدف وی ایجاد تغییرات بنیادین و طرح شیوه حکومتی جدید موسوم به جمهوری بوده است؟ که در مقطعی از آن حمایت می کرد.

با همه ی این احوال آن ها در مقطعی به شدت از احمد شاه حمایت کرده، تنها راه اصلاح امور جامعه را کنار گذاشتن چهره های ناسالم از کابینه ها می دانستند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵: ۶/۵) اما بعد از ورود بلشویک ها به گیلان، میزان حمایت ایشان از احمد شاه نیز دچار خلل و سستی گردید و گویی اندیشه دیگری را در نظر گرفتند. در همین مرحله یکی از کسانی که میرزا کوچک خان را ملاقات کرده است، درباره افکار وی می نویسد: «در دیداری که با میرزا داشتم از وی راجع به اوضاع پیش آمده پرسیدم. گفت: امیدوارم دوباره انقلاب را شروع نمایم و این بار می

خواهم تا تهران بروم و وثوق الدوله و امشالش و نیروهای انگلیس را از ایران بیرون کنم». (یقیان، ۱۳۶۳: ۴۴)

به هر حال در زمینه سامان بخشیدن به اوضاع کشور و اجرای اصلاحات، دیدگاه مطمئن و روشنی در ساختار امور اجرایی از هر دو نهضت سراغ نداریم.

کارنامه تشکیلات دو نهضت

در تثبیت و تداوم حرکت نهضت ها، سازماندهی و ایجاد ساختار منظم و منضبط نقش حایز اهمیتی دارد. وجود سازماندهی نشانگر هدفمند بودن حرکت و تقسیم وظایف است. در بررسی دو نهضت جنگل و خیابانی چنین ویژگی هایی به چشم می خورد. اما شکل این سازمان بندی دارای تفاوت های خاصی بود. نهضت خیابانی چون هدفش را بر مبنای انقلاب و تحول فکری و فرهنگی قرار داده بود، از ایده های نظامی فاصله داشت و بر مبنای ساختار بندی حزبی شکل گرفته بود و بخش نظامی آن عملاً فعالیتی نداشت. این در حالی است که نهضت جنگل از همان ابتدا بدنه اصلی خود را با یک نگرش نظامی و مبارزات مسلحانه آغاز نمود و اعتقاد آن بر این بود که پیشبرد مقاصد بدون تکیه بر قدرت نظامی امکان پذیر نیست. شاید یکی از دلایل پایداری نهضت جنگل به مدت هفت سال، اتکای آن بر نیروی نظامی و سازماندهی قدرت مبارزاتی بود. حضور برخی عناصر آلمانی یا عثمانی برای آموزش نظامی افراد جنگل نیز حاکی از اهمیت همین موضوع بود.^۱

برعکس میرزا کوچک خان، خیابانی تحركات حزبی و فرهنگی را عامل پیشبرد برنامه های خود می دانست. او در قالب حزب دمکرات و انجمن ایالتی آذربایجان با تشریح روزانه برنامه های خود توانست هیجان لازم را در مردم ایجاد نماید. این هیجان به اندازه ای قدرتمند بود که در همان گام های آغازین توانست کنترل اوضاع سیاسی تبریز را در اختیار بگیرد. بلافاصله برای امور شهر

۱. در میان جنگلی ها تعدادی افسران رزم دیده آلمانی، اتریشی و عثمانی وجود داشت که می خواستند از نیروی ایمان و وطن پرستی ایرانیان برای جلوگیری از پیشرفت سریع قشون روس در شمال استفاده نمایند و بدین علت به جنگلی ها کمک های مادی و معنوی می کردند. (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۸۵)

یک هیات مدیره را تشکیل داد و برای هر کدام از نهادهای اجرایی کمیسیون ویژه ای را سازمان بخشید. او در گفته های خود به عملکرد این سازمان بندی سیاسی - اجتماعی اشاره می نماید: «هر اداره ای تابع کمیسیون مخصوص است. نظریات همه آنها در هیات مدیره مذاکره شده، قطعیت تصمیمات به واسطه این مرکز به موقع اجرا گذارده می شود». (آذری، ۱۳۵۴: ۴۵۱)

در جای دیگر درباره عملکرد این کمیسیون ها می گوید: «ما می خواهیم ادارات را اصلاح کنیم و برای این کار نخستین گامی که برداشته می شود عبارت است از طرد مامورین نالایق و خائن و رشوه گیر. یک ماه است برای اصلاح عدلیه کمیسیون ویژه ای تشکیل یافته است با وجود آنکه همه از عدلیه شکایت داشتند، حالا دیگر کسی شاکی نیست». (همان، ۱۳۵۴: ۴۵۷)

به نظر می رسد در فقدان حضور قدرتمند دولت مرکزی، خیابانی توانست نظم قابل توجهی را در شهر برقرار نماید. احتمالاً سخت گیری خیابانی در این زمینه تاثیر گذار بود. در یکی دیگر از گفته هایش آمده است: «با مخالف هرگز مدارا نخواهیم کرد. با نهایت سختی مجادله خواهیم کرد و مخالفین را قطعاً محو خواهیم ساخت». (همان، ۱۳۵۴: ۳۹۳)

این شدت عمل و نظم ایجاد شده سبب شد تا روزنامه رعد وضعیت تبریز را این گونه توصیف کند: «شهر منظم شده است، اهالی مشغول کسب و کار هستند، امور دوایر دولتی هم تحت نظر روسای احرار تصفیه می شوند. از طرف خیابانی هم چند نفر برای انتظام امور فرستاده شده اند». (روزنامه رعد، ۱/۱۳۳۸/ش ۵۹)

از آنجا که سازماندهی نظامی در زمره ی اولویت های او نبود، تنها یک نیروی نامنظم محلی را جهت اداره امور انتظامی به کار گرفته بود که همین تعداد اندک هم در زمان حمله قوای دولتی نتوانست مقاومت جدی به عمل بیاورد. بنابراین، نگرش بنیادین خیابانی در خصوص ایجاد نظم در زمینه امور اداری و اجتماعی نیز نتایج قابل توجهی به بار نیاورد و همین امر باعث شد که نهضت پس از مدت کوتاهی دچار فروپاشی شود.^۱ البته به نظر می رسد خیابانی در گام های بعدی در صدد ایجاد یک نیروی امنیتی منظم نیز بود که مجالی برای این کار نیافت. بادامچی از یاران

۱. عبدالله بهرامی در خاطراتش می نویسد: «اهالی تبریز از کشمکش های زیاد خسته شده بودند. خیابانی اکثر مجاهدین را ترغیب به کنار گذاشتن اسلحه کرده بود و از آن ها خواست که به دنبال مشاغل عادی بروند». (بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۳۹)

نزدیک او می نویسد: «شالوده تشکیلات ژاندارمری آذربایجان از نتایج فکر سلیم خیابانی بود که در اندک مدتی موفق شد قریب پانصد نفر ژاندارم به ریاست آقای سید حسین یاور مطابق ژاندارمری مرکزی تشکیل دهند که موفق به توسعه آن نگردید». (آذری، ۱۳۵۴: ۲۸)

به هر صورت در نگرش کلی به سیر دو نهضت و سازمان تشکیلاتی آن ها موارد زیر قابل تبیین است.

۱- دقت در برنامه قیام ها نشان می دهد که خیابانی تشکیلات نهضت خود را بیشتر بر مبنای فرهنگی و فکری استوار کرده بود.^۱ در حالی که میرزا کوچک خان قبل از هر چیز، سازمان بندی نظامی را مورد نظر داشت.

۲- خیابانی در تشکیلات نهضت از وجود عناصر خارجی استفاده نکرد و آنها را در اداره امور دخالتی نداد، کما این که با جمعیت اتحاد و ترقی، که منتسب به عثمانی ها بود، نیز مخالفت کرد. (شرح حال...، ۱۳۰۴: ۳۵) ولی میرزا کوچک خان از وجود آلمانی ها، اتریشی ها و عثمانی ها در امور نظامی بهره برد.

۳- نظم به وجود آمده در تبریز هر چند کوتاه مدت بود، اما توانست آرامش را به این شهر بازگرداند و وضعیت مردم بعد از مدت ها آشفتگی، به آرامش گرایید.

۴- عدم تمرکز خیابانی بر تقویت بخش نظامی نهضت از دیگر ویژگی های آن بود. شاید تصور او بر این بود که دولت مرکزی فاقد توانمندی های لازم برای مقابله با او خواهد بود. این تصور دقت لازم را نداشت، چون با اولین حرکت نظامی دولت مرکزی مبنای نهضت از هم پاشید. این در حالی است که میرزا کوچک خان با تمرکز بیشتر بر مسایل نظامی بارها توانست هجوم عناصر مرکزی را پاسخ دهد.

۵- یکی از نکات مهم در هر دو نهضت که بایستی آن را به حساب ضعف تشکیلاتی آن ها گذاشت، عدم ارتباط معنوی و سازماندهی آنها با یکدیگر است. اهداف کلی دو نهضت به هم نزدیک بود. اقتدار ایران، اصلاح امور جامعه، طرد بیگانگان و تشکیل یک دولت مقتدر مرکزی

۱. بهرامی در خاطراتش می نویسد: «یک بار خیابانی به من گفت چه خوب بود یک حکومت مآل اندیش در تهران زمام امور را در دست می گرفت و عوض فرستادن پیش خدمت های درباری به آذربایجان، صد معلم می فرستاد». (بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۳۵)

عناوینی بودند که در زمره اولویت های هر دو نهضت به شمار می آمدند. با وجود این تلاش قابل توجهی برای ایجاد این ارتباط صورت نگرفت. به نظر می رسد این عدم تحرک در هر دو طرف وجود داشته است. ابراهیم فخرایی ضمن تاکید بر یگانگی اهداف میرزا کوچک خان و خیابانی از شخصی به نام حاجی آخوند اسم برده که از طرف خیابانی پیامی برای میرزا آورده بود و تقاضای اتحاد و اتفاق برای رسیدن به هدف مشترک را داده بود، اما به دلیل هم زمانی این ماجرا با واقعه ملاسرا و اختلاف بین سران جنگل و هم چنین مرگ حاجی آخوند، این مسئله مسکوت ماند. (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۷۱) شاید بتوان گفت این تنها ارتباط طرفین بود که هرگز تداوم نیافت و در حالی که نهضت جنگل گرفتار مسائل داخلی شده بود، نهضت خیابانی دچار فروپاشی گردید. البته قیام میرزا کوچک خان نیز دیر زمانی پس از آن نپایید و پس از اینکه گرفتار اختلافات داخلی شد، با تهاجم نیروهای دولت مرکزی به شکست انجامید.

کلام آخر

دو نهضت جنگل و خیابانی در شرایط خاصی از تاریخ ایران شکل گرفتند که زمینه لازم برای چنین تحریکاتی از هر جهت مهیا بود. ناکامی مشروطه خواهان در رسیدن به اهداف و ایده آل های مورد نظر، بازگشت برخی عناصر و چهره های منتسب به دربار به عرصه قدرت سیاسی، حضور مستقیم سپاهیان روس و انگلیس در ایران و ناتوانی حکومت مرکزی در اخراج آنها، دخالت های مکرر نمایندگان سیاسی روس و انگلیس در تصمیم گیری های دولت مرکزی، اجحاف و زورگویی تعدادی از نیروهای مرکزی نسبت به مردم، فقر و گرسنگی و ناامنی از عواملی بودند که برخی از عناصر تاثیر گذار در حوادث پس از مشروطیت را به سوی ناامیدی از بهبودی شرایط کشانید و آن ها مایوس از تکیه بر حکومت مرکزی، به فکر اقدامات مستقل از حاکمیت مرکزی افتادند. خیابانی و کوچک خان از جمله ای این افراد بودند که در شرایط نسبتاً برابری در عرصه های منجر به مشروطیت و درگیری ها و ناملایمات پس از آن حضور داشتند. اما عدم وصول به مقاصد مورد نظر، آن دو را به تصمیمات خاصی رسانید که شخصاً برای رهایی از شرایط پیش آمده بایستی سازمان مستقلی را ایجاد نمایند. گر چه زمینه های شکل گیری افکار

آن‌ها تا اندازه‌ای به هم شباهت داشت، اما راهکارها و شیوه های اجرایی آن دو تا حدودی متفاوت بود. انقلاب فکری خیابانی که با سخنرانی‌های متعدد برای بیداری افکار صورت می گرفت با روش میرزا کوچک خان که بیشتر بر شیوه مسلحانه و چریکی استوار بود، هم گرایی نداشت. به همین دلیل هر کدام از آن‌ها در برنامه‌های اجرایی خود دچار نوسانات و نواقص تصمیم گیری بودند که البته این نوسانات در نهضت جنگل بیشتر به چشم می خورد. از طرف دیگر هر دو نهضت با توجه به اهداف مشترکی که داشتند، نتوانستند یک ارتباط سازمانی بین خود برقرار کرده، از تجربیات یکدیگر بهره گیرند یا به راهکارهای مشترکی برای پیشبرد اهداف خود دست یابند. به همین لحاظ هر دو نهضت با اندکی تفاوت از لحاظ طول مدت زمانی موجودیت خود را از دست دادند.

منابع

- آذری، علی، (۱۳۵۴)، قیام شیخ محمد خیابانی، تهران، صفیعلشاه.
- بهرامی، عبدالله، (۱۳۶۳)، خاطرات، تهران، انتشارات علمی.
- جنگلی، اسماعیل، (۱۳۵۷)، قیام جنگل، تهران، انتشارات جاویدان.
- جودت، حسین، (۱۳۴۸)، از صدر مشروطیت (تاریخچه انقلاب دمکرات)، تهران، انتشارات درخشان.
- جودت، حسین، (۱۳۵۱)، یادبودهای انقلاب گیلان، تهران، انتشارات درخشان.
- دولت آبادی، یحیی، (۱۳۶۱)، حیات یحیی یا تاریخ معاصر ایران، ج ۴، تهران، انتشارات عطار.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۳)، نهضت میرزا کوچک خان، تهران، انتشارات آشنا.
- روزنامه‌ی تبریز، (۱۳۲۸ق)، ش ۵۰.
- روزنامه‌ی تجدد، (۱۳۳۵ق)، ش ۱.
- روزنامه‌ی جنگل، (۱۳۳۵)، ش ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۴، ۲۱.
- روزنامه‌ی خاور ایران، (۱۳۳۳ق)، ش ۳۵.
- روزنامه‌ی رعد، ش ۵۹، س ۱۳۳۸ق.

- روزنامه‌ی عصر جدید، ش ۵۱-۵۰، س ۱۳۳۳ق.
- روزنامه‌ی نوبهار، (۱۳۳۳ق)، ش ۲۱.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶)، ایران در جنگ بزرگ، تهران، انتشارات ادیب.
- سپهر، ذبیح، (۱۳۶۴)، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات عطایی.
- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی. به قلم دوستان، (۱۳۰۴)، برلین، انتشارات ایرانشهر.
- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۹ ق. جلسه ۳۲۱.
- فخرایی، ابراهیم، (۱۳۵۴)، سردار جنگل، تهران، انتشارات جاویدان.
- کتاب سبز، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۳.
- کسروی، احمد (۲۵۳۷)، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات سپهر.
- مستوفی عبدالله، (۱۳۲۴)، شرح زندگانی من، ج ۳، تهران، انتشارات علمی.
- مکی، حسین، (۱۳۶۳)، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، انتشارات ناشر، تهران، چاپ چهارم.
- میروشنیکف، ال بی، (۱۳۵۷)، ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخانیاتی، تهران، انتشارات فرزانه.
- یقیکیان، گریگور، (۱۳۶۳)، شوروی و جنبش جنگل، به کوشش برزویه دهگان، تهران، انتشارات نوین.